



بازتعریف مفهوم هنر در بستر گفتمان فرهنگی - تمدنی

زینب شریفی اسدی^۱

دوفصلنامه علمی مطالعات نظری هنر
سال چهارم | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
شاپا: ۰۰۳۴ - ۲۸۲۱ | ص: ۲۲۹ - ۲۵۴

چکیده

هنر، مفهومی است که در بستر فرهنگ و تمدن شکل می‌گیرد و بالندگی آن بیانگر سطحی از بالندگی فرهنگ و تمدن یک جامعه است. اما تعریف هنر مدرن به دلیل نگاه مستقل به آن خارج از بستر فرهنگی و تمدنی آن و نیز نسبی بودن عناصر شاکیه تعریف آن اعم از زیبایی و خیال‌انگیزی و... که در غرب شکل گرفته، باعث شده تا تعریف حداقلی از آن ارائه شود. برای نیل به تعریفی دقیق‌تر، این پژوهش بر آن است به بازتعریف دیگری از هنر مبادرت نماید. برای این بازتعریف با استمداد از روش توصیفی، تحلیلی از طریق جمع‌آوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای به مهندسی معکوس چند اثر هنری برجسته ایرانی - اسلامی پرداخته شده است و علوم و عناصر سازنده آن مورد واکاوی قرار گرفته و سپس الگوی به‌کاررفته در آن را برای بومی‌سازی تعریف هنر به کار برده‌ایم. پس از بازتعریف هنر، به دسته‌بندی آن پرداخته شد و اقسامی مانند: متعالی و دون، پیشرفته و ابتدایی، برای آن در نظر گرفته شد. در پایان با هم‌معیار، به مقایسه چند هنر شرقی و غربی پرداخته و نشان داده‌ایم که تعریف جدید هنر به خاطر دقت و جامعیت بیشتر، قابلیت سنجش و داوری دقیق‌تر آثار هنری را نیز در جزئیات و عناصر سازنده‌اش داراست.

واژگان کلیدی: هنر، فرهنگ، تمدن، مدرنیته، مهندسی معکوس.

۱. هیئت علمی دانشگاه پیام نور خوزستان، zeinab.sh.a@gmail.com.

❁ مقدمه:

آنچه امروزه در مورد تعریف هنر توسط دانشمندان غربی، رواج یافته، توجه به یکی دو بعد از ابعاد گسترده هنر است. از این رو تعریفی حداقلی و نسبی ارائه داده‌اند که از جامعیت برخوردار نیست و تفسیر مستقلی از هنر بدون بستر فرهنگی و تمدنی آن است که به شکل تعریف‌های مستقل از صورت ظاهری آثار هنری الهام گرفته شده و به نسبت وجود آثار هنری دست پایین و شمول انواع هنرها، گاه آن قدر تنزل مفهوم پیدا کرده که ممکن است، هر ضد هنری را نیز هنر بنمایاند. این زنگ خطر افول هنر است. پس باید مختصات دقیق تری از آن را دانست تا برای بازتعریفش اقدام نمود. این پژوهش بر آن است با رویکردی بومی به بازتعریف هنر بپردازد و از لابه‌لای تعریف‌های نسبی مدرن از آن، بتواند درک کند هنر چیست و چه حدود و ثغور و نتایجی در بردارد؟ این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که: چگونه می‌توان از هنر در بستر بومی بازتعریف دقیق تری ارائه نمود؟

در پاسخ فرضی به پرسش فوق می‌توان گفت: هنر از طریق مهندسی معکوس آثار هنری - تاریخی برجسته و پرتکرار بومی، امکان بازتعریف و تعمیم تعریف را دارد و با سنجش علوم و فنون به‌کاررفته در عناصر شکل‌دهنده آن، قابل اندازه‌گیری و داوری خواهد بود تا بتواند به هدف پژوهش که بازتعریف دقیق تری از هنر است نایل آید؛ زیرا با وجود تعریف

غیردقیق از هنر در علوم مدرن، بازتعریف بومی و دقیق یک ضرورت است تا مبانی هنر مدرن بومی را ایجاد نماید.

این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش پژوهش توصیفی، تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای و سپس تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها برای پاسخ به سؤال اصلی اطلاعات را دسته‌بندی و هدفمند نماید.

پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است برای نمونه بازتعریف بدن در هنر فمینیستی (دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰) یکی از آن‌هاست که توسط خانم مژگان ارباب زاده و دیگران در سال ۱۳۹۶ نگارش یافته است (ارباب زاده و دیگران، ۴۷، ۱۳۹۶ تا ۵۸).

مقاله دیگری توسط جناب یحیی نوریان و دیگران نوشته شده است. عنوان مقاله الگوی بازتعریف متون تاریخ هنر (بازتعریف متون آموزشی با رویکرد اسلامی) است که در مجموعه مقالات دومین کنگره علوم انسانی اسلامی، سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است (نوریان و دیگران، ج ۶، ۱۳۹۲، ۱۱ تا ۳۴)؛ اما تعریف دقیقی از هنر ارائه نکرده است و نیاز به بومی سازی تعریف هنر همچنان وجود دارد و حتی در عناوین اخبار فرهنگی رسانه‌ها به چشم می‌خورد. علی‌رغم وجود پژوهش‌های گسترده علمی پیرامون مصادیق مختلف هنری، در باب مفهوم هنر کمتر کسی قلم‌فرسایی نموده است و جای خالی چنین پژوهش‌هایی در میان پژوهش‌های جدید احساس می‌شود. این پژوهش سعی نموده با تأکید بر خاستگاه فرهنگی و تمدنی هنر به بازتعریف آن بپردازد و گامی ولو اندک در رفع خلأ موجود بردارد.

تعریف هنر

سمیع آذر معتقد است: با توجه به تنزل مفهوم هنر و زنگ خطری که افول هنر پیدا کرده باید مختصات تعریف آن را دانست تا برای بازتعریف آن اقدام نمود (سمیع آذر، امواج پست مدرن (تاریخ هنر معاصر جهان)، ۱۳۹۹، ۲۹). اما تعریف رایج هنر چه ویژگی‌هایی دارد که باعث ایجاد زنگ خطر شده است؟ تعریف هنر امروزی از غرب شروع شده است



که بی توجه به خاستگاه آن و در شکلی مستقل، آن را وضع نموده‌اند. آنها عناصری را به عنوان شاخصه هنر در نظر گرفته‌اند که خود یک مفهوم ثابت و معینی ندارد و تعریف هنر را به سمت نسبیت سوق می‌دهد. ابتدا به این مفاهیم ناآبیت و نامعین پرداخته می‌شود:

- جنسن می‌گوید: «هنر یک شیء زیبایی شناختی است. هدف از ساختنش آن است که مردم به آن بنگرند و آن را به واسطه ارزش ذاتی اش بستایند» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۵). به تاسی از تعریف جنسن و دیگران، پروین می‌نویسد: هنر همان کوشش و جدوجهدی است که برای به وجود آوردن و نمایاندن زیبایی‌ها به کار گرفته می‌شود (پروین، ۱۳۴۵، ۲۵). رضائی منش نیز در امتداد این تعریف، هنر را تحقق زیبایی در قلمرو روح آزاد انسانی می‌داند (رضائی منش، ۱۳۸۰، ۵) حال آنکه هم زیبایی نسبی است و هم مفهوم ارزش ذاتی. وقتی دو نفر سلیقه مشترکی در معیار زیبایی شناسی ندارند چگونه می‌توان برای آن تعریف مشترک و عام ایجاد نمود؟!!

اما در نگاه غرب، زیبایی شناختی چیست؟ جنسن در این باره می‌گوید: «آن است که با چیز زیبا سروکار پیدا می‌کند. همه هنرها زیبا نیستند؛ ولی به چشم ما زیبا به نظر می‌رسند» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۵). زیبایی شناسی با وجود اینکه معیار هست ولی می‌تواند هر زشتی را در بر بگیرد و این منوط به نگاه افراد است. که باز هم یک مقوله نسبی است (گروه مولفین پژوهش هنر، ۱۳۸۷، ۷). پس هنر هر زشت و زیبایی را در بر می‌گیرد یعنی در آن واحد هم خود و هم ضد خود را شامل می‌شود.

عنصر بعدی تخیل هست که در تعریف هنر غرب وارد شده. اما تخیل چیست؟ جنسن این بار می‌گوید: «همان خواب و خیال است؛ مانند آن چه انسان در خواب می‌بیند و توانایی دارد آن را به تصویر بکشد. تخیل جنبه اسرارآمیز وجود ماست. تخیل ماده چسباننده شخصیت، عقل و جنبه‌های معنوی انسان‌هاست» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۵)؛ اما خیال‌انگیزی هم یک مفهوم نسبی است و جنبه‌های مثبت و منفی و کمینه و بیشینه دارد و اندازه‌ای برای سطح آن مشخص نشده است.

عنصر بعدی در تعریف هنر، داشتن جنبه‌های خلاقانه است؛ اما این خلاقیت

چیست؟ «خلاقیت یا ساختن، نبوغ سرهم کردن به شکلی که تصویر قشنگی بسازد» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۷). نیازی به گفتن ندارد که خلاقیت هنری، تجربه‌ای چنان شگفت‌انگیز و ژرف است که تشریح گام به گام آن هیچگاه میسر نمی‌باشد. خلاقیت را به زایش تشبیه کرده‌اند که یک فرافکنی است» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۸). تعریفی که برای خلاقیت در نظر گرفته شده است، باز یک مفهوم نسبی است. دوم این که آیا هر خلاقیت مثبت و منفی‌ای را می‌توان هنر دانست؟! به طور مسلم خیر.

عنصر پایانی در تعریف هنر غربی، نوآوری و سنت است: «سرانجام آنچه هنر را از صنعت متمایز می‌سازد، نوآوری است و همین معیار عظمت هنر است. یعنی اثری نوآورانه هنری که تقلید یا نسخه‌برداری از اثر دیگری نباشد» (جنسن، ۱۳۹۰، ۲۹). باز هم یک عنصر نسبی دیگر در تعریف هنر جای گرفته است. با تاکید بر این نکته که هر نوآوری‌ای لزوماً درست نیست. دیگر این که نوآوری‌های زیادی وجود دارد ولی کسی به آنها به عنوان هنر واقعی نمی‌نهد (مانند کشاورزی که در بیل زدن باغچه‌اش نوآوری کند). در این دیدگاه وقتی انسان اثر هنری می‌آفریند که «بدون شک یک دلیل آن، کشش درونی برای آراستن خویشتن و تزیین دنیای پیرامون است. اما هنر فراتر از تزیین و سرشار از معنی است» (جنسن، ۱۳۹۰، ۳۰) که باز هم معیارهای نسبی را در برمی‌گیرند.

در تعریف غربی، برای سبک هنری هم تعریف دقیقی ارائه نشده است؛ «منظور از سبک در هنرهای تجسمی، طریقی خاص است که برای گزینش و کنار هم گذاشتن شکل‌های تشکیل‌دهنده هر کار هنری معین، در نظر گرفته می‌شود» (جنسن، ۱۳۹۰، ۳۰). چرا که عنصر شکل به تنهایی معیار دسته‌بندی آن است. که در این مجال به آن پرداخته نمی‌شود و در فرصت دیگری قابل پرداختن خواهد بود. در این پژوهش تاکید بر تعریف خود هنر است.

ضعف‌های موجود در تعریف‌های هنر

در بسیاری از تعریف‌ها، مفاهیم مدرن جامعیت به چشم می‌خورد؛ اما مانعیت کمتر



دیده می‌شود و این باعث می‌شود تا تعریف‌های در عین کلی بودن، نسبی هم باشند و از قاطعیت کمتری برخوردار باشند. هنر هم از این قاعده مستثنی نماند.

امروزه برای هنر تعریف‌هایی وجود دارد که آن را مقوله‌ای کاملاً نسبی می‌نمایاند. تعریف واحد جهانی از هنر در دنیا وجود ندارد که حاوی عناصری دقیق باشد. چند تعریف برجسته از آن وجود دارد که معیار داوری است. همگی آنها شامل معیارهای نسبی مانند زیبایی و خیال‌انگیزی هستند که پارامترهای دقیق و قابل اندازه‌گیری ندارند. با این تعریف‌ها هیچ هنری قابل سنجش و امتیازدهی دقیق نمی‌تواند باشد و هر کار ارزشمندی در کنار کارهای متوسط قرار می‌گیرد (بیات، ۱۳۸۱، پیش شماره ۱۴ - لیزا ماردر، [https:// fa.eferrit.com/3-p5](https://fa.eferrit.com/3-p5), ۲۰۰۵). این نسبی‌گرایی و دقت نکردن در تعریف هنر باعث شده تا ضعف نبود تعریفی جامع و مانع ملموس‌تر شود.

در نگاه مدرن، هنر آن قدر تنزل مفهوم پیدا کرده است که هر هنر مثبت و منفی و خنثی و ضد هنری را نیز هنر می‌نمایاند و این زنگ خطر افول هنر است (برای نمونه ر.ک: الماسی زند و میری، ۱۴۰۰، ۱ تا ۱۹ - سمیع آذر، اوج و افول مدرنیسم (تاریخ هنر معاصر جهان)، ج ۱، ۱۳۹۹، مقدمه). وقتی تعریف‌های نسبی شد قضاوت‌ها و اعتبار دادن‌های بی‌متر و معیار زیاد می‌شود. به عنوان مثال، به نظر اقدامی کاملاً غیرمنصفانه است کسانی که استاد فرشچیان را هنرمند می‌نامند، از یک نقاش نوپا هم به اسم هنرمند نام ببرند. از این روست که برای تعریف هنر باید به دنبال یک مفهوم دقیق بود. برای این کار باید بستر هنر را پیدا نمود تا در آن قالب، برای هنر حدود و ثغور و تعریف مشخص نمود و هنرمندان بسته به میزان مهارت و اثرشان طبقه‌بندی شوند و جایگاه هنرمند درجه یک و دو و سه و... مشخص شود.

✿ کتاب‌های غیرمنصفانه تاریخچه هنر غربیان

کتاب‌هایی در حیطه تاریخ هنر در دنیا نوشته می‌شود؛ مانند بیشتر کتاب‌های غربی در زمینه‌های هنری و حتی علوم مختلف، بدون توجه به قدمت سایر تمدن‌ها،

سعی دارند بلااستثنا سابقه هر علم و هنری را از خودشان، یعنی یونان و روم آغاز کنند (وایلدر، ۱۳۹۴/۴/۱۵ - هاج، ۱۳۹۷/۱۰/۱۵ - ...). حتی اگر پیش از آنها نیز تاریخچه‌های دیگری از علوم و هنر وجود داشته باشد، در این استعمار علمی غربی یا نادیده گرفته می‌شود، یا مورد کم لطفی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد قوانینی در نگارش این کتاب‌ها وجود دارد که کسی از آن تخطی نمی‌کند و حرف جدیدی نمی‌زند، یا خوشبینانه این که چون از غرب پا را فراتر ننهادند، اطلاعات زیادی از سایر تمدن‌ها ندارند. برای نمونه، ارنست گامبریچ در کتاب تاریخ هنر به طرز غیرمنصفانه‌ای از معرفی و ارائه آثار هنری شرق چه در باستان و چه معاصر کم گذاشته است، به گونه‌ای که مخاطب فکر می‌کند هنر در غرب متولد شده و گزاره‌های زیادی از آن در شرق وجود نداشته است (ر.ک: گامبریچ، ۱۳۷۹، دسته‌بندی مطالب کتاب خودگویای این نگاه غیرمنصفانه است).

در غرب، در کتاب‌های هنر، به طور عموم، تاریخ آغاز هنر را بعد از عصر غارنشینی، از نقاشی‌ها و مجسمه‌هایی می‌دانند که بیشتر اینها یا ملهم از شخصیت‌های الهه‌های یونان باستان یا از آثار کلیسایی است. البته آثار کلیسایی طبیعتاً پیش از کنستانتین و رسمی شدن مسیحیت یعنی تا سال ۳۲۴ م نمود چشمگیری نداشت. بعد از انتقال پایتخت امپراتوری به بیزانس، فضا برای نقاشی‌ها و مجسمه‌های کلیسایی باز شد. اما در این دوره هنوز مجسمه‌ها در قیاس با نقاشی و معماری اهمیت کمتری دارند. چرا که مسیحیان مجسمه‌های ایستاده را به بت‌های پیش از مسیحیت تشبیه می‌کردند و انحراف می‌دانستند، به خاطر همین به جای مجسمه، نقش برجسته رواج یافت. حتی در این نقوش نیز از تصویر کردن انسان در ابعاد طبیعی خودداری می‌کردند (حسینی، ۱۳۸۸). از این رو مجسمه‌های یونان باستان از جنس اندیشه مجسمه‌های کلیسایی نبودند. از دیگر سو، به تعبیر کتاب مقدس، اسطوره‌های یونان باستان از شخصیت‌های شرقی و ایرانی گرفته شده است (M.Badi, Les Grecs et Les Barbares, II, ۳۷-۳۸ - آنها قوم پارس را به پرسه - فرزند ژئوس - منسوب می‌کردند) و اصالت غربی ندارد. همچنان در برخی کلیساها حتی قائل به وجود هیچ مجسمه‌ای نیستند (پیشینه مجسمه سازی،



ساز، <https://mojasamesazi.com/history-of-sculpting> - تاریخچه مجسمه سازی، ۱۳۹۸/۹/۱۴.

سوگیری‌های غیرمنصفانه مؤلفان این کتاب‌ها، عامل دیگری در فهم نادرست هنر در دنیای معاصر شده است. پس اگر نقاشی و مجسمه‌سازی نبود، در سابقه تاریخی مردم اروپا، هنر چشمگیر دیگری وجود نداشت؟ اما اگر هنر یا هنرهای دیگری وجود داشت، پس در آن صورت هنر را چگونه تعریف می‌نمودند؟! آیا هنر چشمگیر دیگری در سابقه تمدنی سایر ملت‌های باستان، مهم‌تر یا هم‌راستا با این دو وجود نداشته؟! حرف اینجاست که نباید سایر هنرها را نادیده گرفت و قربانی نگاه تک‌قطبی نمود. از این رو نیاز است اول به وضع تعریفی در مورد هنر پرداخته شود تا بتوان با معیار آن، هنر و غیر هنر، هنر متعالی و هنر ضعیف و هنر دون و... را جدا نمود.

تا بازتعریف جدید بتواند برخی مشکلات را حل نماید به عنوان مثال: پژوهشگرانی که در داخل به تاسی از محتوای کتاب‌های غربی، به نقاشی و مجسمه‌سازی تأکید ورزیده‌اند و نسبت به سایر آثار هنری بومی بی‌توجهی و اغماض به خرج داده‌اند بتوانند در افق فکری گسترده‌تری به خلق هنر فاخر پردازند.

اما آسیب دیگر آنجاست که آنچه امروزه از هنر ایران باستان معرفی می‌نمایند، جزئیات مختصری از معماری‌ها و اشکال و نقش برجسته‌های به کاررفته در آنهاست (کرتیس و سیمپسون، ۱۳۹۱، ۱۶۹ تا ۲۲۷). عجیب این که آن همه تمدن چشمگیر امروزه به لحاظ هنری مورد دقت و موشکافی عمیق قرار نگرفته است.

❁ فرهنگ، بستر شکل‌گیری مفهوم هنر

نگارنده بر این باور است که مفاهیم اولیه و شکل‌دهنده هنر، در بستر فرهنگ و شرایط یک جامعه متولد می‌شود، بستگی عمیقی به فرهنگ یک جامعه دارد. هرچه فرهنگ و تفکر اجتماعی یک جامعه غنی‌تر باشد موفقیت بیشتری در تولید مفاهیم و به تبع آثار هنری دارد. از این رو هنر زیرمجموعه مباحث فرهنگی یک جامعه جای می‌گیرد. هنر هم

مانند مفاهیم علم، هویت تاریخی، سبک زندگی، زبان و ادب و...، زیرمجموعه فرهنگ و از زمره مصادیق فرهنگی است.

در تعریف فرهنگ گفته شده است، تفکر اجتماعی مردم یک منطقه است (روح الامینی، ۱۳۴۰: ۱۳۵ و ۱۳۶؛ پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۸). هنر نیز، مجموعه‌ای از جنس فرهنگ، شامل تعریف‌ها و مفاهیم خاص خود است که در ذهن وجود دارد. وقتی که به شکل ابزار در مصادیق مختلف بروز می‌یابد، به عنوان یک اثر هنری بروز و مصداق تمدنی می‌یابد (ویل دورانت، ۱۳۳۷: ۱/۳) و بیانگر سطح تمدنی یک جامعه نیز می‌شود. برای همین، اینکه در یک جامعه هنر چگونه تعریف شود، بسیار مهم است؛ زیرا بیانگر نسبتی از فرهنگ و تمدن جامعه است. باستان‌شناسان از همین منظر از لابلای آثار تاریخی هر ملتی به فرهنگ و تمدن و شاخصه‌های دیگری در آنها پی می‌برند (جان احمدی، ۱۳۹۳: ۲۷).

برای نمونه در مفهوم هنر در فرهنگ اسلام، تعالی محتوای هنر حتی از صورت آن نیز مهم‌تر است. باین وجود، هیچ منعی برای پیشرفته بودن هنر وجود ندارد؛ اما آن را از تجملات و مفاهیم دون به شدت برحذر می‌دارد و برای شکوفایی آن اصول و حدودی تعریف می‌نماید. رسول اکرم ﷺ و صحابه نخستین زندگی ساده و بی‌آلایشی داشتند و هیچ وقت در پی آن نبودند تا با ساختن ابنیه باشکوه و معظم، جلوه‌های قدرت و مکتب خود را به رخ این‌وآن بکشند (کونل، ۱۳۷۶، ۶). ایشان در کنار این حدود، اصولی نیز داشتند که هم‌زمان جامعه را به لحاظ علمی و اخلاقی، به سمت تعالی سوق داد (زیدان، ۱۳۷۳، ۴۵۹) و نهضتی شگفت‌انگیز در علوم و آداب و فرهنگ به وجود آورد که فکر تولید تمدن و هنر جهانگیر اسلامی را ایجاد نمود.

❁ تمدن، بستر شکل‌گیری مصادیق هنر

در گذشته، هنر از فن جدا نبود و یک انسان هنرمند، زبردست و فن‌آور هم بود که ابزاری که تولید می‌نمود از یک صورت تمدنی برخوردار بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ۵-گزنفون، در کتاب سیرت کوروش حدود ۵ قرن پیش از میلاد می‌نویسد: «ایرانیان برای این



که بسترشان نرم باشد، قالیچه زیر بستر خود می‌گسترند». در طول تاریخ، هنرهای بزرگ نیز آنجا شکوفا شده‌اند که تمدن‌ها چشمگیر بوده‌اند. از این جهت، فرهنگ مؤثر در تولید ابزار و آثار هنری در هر جامعه‌ای بسیار مهم است. چرا که سطح تمدنی آن جامعه را نیز معرفی می‌نماید (جعفری، ۱۳۷۳: ۱۱).

در تعریف تمدن گفته‌اند: تمدن دستاوردهای مادی افراد یک جامعه است که خود حاصل سطح فکر و فرهنگ جامعه است (لوکاس، ۱۳۶۶: ۷/۱). از این رو، هنر هم وقتی از بالقوه به بالفعل تبدیل می‌شود یک صورت تمدنی به خود می‌یابد. مانند سبک لباس که یک ایده فرهنگی با مختصات خاص خود است ولی وقتی به لباس تبدیل شد یک مصداق تمدنی با مختصات خاص خود است.

از دیگر سو باید گفت: هنر یک پدیده خودبخودی هم نیست و فاعلی انسانی دارد. فاعلی که سازنده ابزاری است که فنون و مختصات خاص خود را دارد. اما آیا هر فاعل انسانی که توانایی تولید ابزار را دارد، توانایی ایجاد ابزار هنری را هم را دارد؟ ویژگی ابزار هنری چگونه باید باشد؟ این مختصات چیست؟ باید گفت این مختصات آداب، رسوم، ارزش‌ها و جنبه‌های مثبتی از فرهنگ جامعه را در بر می‌گیرد که روح حاکم بر ابزار را می‌سازد.

سازنده متعهد و رسالت‌مند احتیاط تام دارد بر این که از نمادهای مثبت بهره‌بردارد. اما معیار مثبت و منفی بودن آن را چه کسی تعیین می‌نماید؟ به طور مسلم کسی که به انسان، هستی و قوانین آن اشراف داشته باشد و صادرکننده احکام و خوب و بد هر چیزی باشد، یعنی خداوند. پس باید سراغ دین رفت؛ اما نه هر دینی. دینی که کامل‌ترین باشد و کمینه این که کتاب مقدس آن از تحریف حفظ شده باشد. اسلام نزدیک‌ترین معیار را بر اساس مقدمات این تعریف دارد.

❁ مهندسی معکوس مصادیق هنری برای دستیابی به مفهوم هنر

برای بازتعریف از راه مهندسی معکوس، به چند ابزار و اثر از نمونه‌های برجسته هنری

در تاریخ و تمدن ایرانی و اسلامی کشورمان نیاز داریم. برای نمونه به دو اثر برجسته از آنها یعنی فرش و گنبد پرداخته می‌شود.

الف- فرش

یکی از آثار هنری منتخب برای این منظور «فرش» است از آنجاکه فرش و منسوجات بافی جزو هنرهای قدیمی ایرانیان است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ۳۰ تا ۳۲- هامبی و دیگران، ۱۳۷۶، ۱۹، از نقاشی بر روی ابریشم هم نام می‌برد) و قدیمی‌ترین فرش ایرانی با عنوان فرش پازیریک با نقوش اصیل هخامنشی با بیش از ۲۴۰۰ سال قدمت موجود است، که به لحاظ تاریخی هم از دوران اوج نقاشی و مجسمه سازی در روم قدیمی‌تر است، انتخاب می‌شود (ناظری، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹- مجابی، ۱۳۸۱، ۱۳ تا ۱۳۹- فرش قدیمی دیگری نیز در تالار کسری در مدائن در زمان ساسانیان ثبت شده که ابریشمی است. ر.ک: طبری، تاریخ طبری، جلد پنجم، ۱۸۲۵).

فرش از اجزائی مانند نقشه، نخ، رنگ، ابزار و بافنده تشکیل شده است. «نقشه» که کار یک استاد نقاش ماهر است که در یک صفحه شطرنجی با دقت در محاسبات مترائ فرش ترسیم می‌شود. «نخ» که کار یک نساج خبره است. قطر نخ در فرش‌های مختلف فرق دارد و ضخامت آن باید در درازای نخ ثابت حفظ شود. محاسبات مقاومت نخ چله و پود هم نتیجه زحمات اوست که جنس متفاوتی از نخ‌های گره‌ها تولید می‌نماید. «رنگ» که کار یک رنگرز است. او متخصص رنگ‌دهی به نخ با رنگ‌دانه‌های طبیعی و تثبیت آنها و مقاومت در مقابل نور خورشید، شستشو و فرسایش است. «ابزار»، کار متالوژیست و ابزارشناسی است که دارقالی و شان و چاقورامی سازد به گونه‌ای که کمترین ناخالصی فلز آن، منجر به پارگی چله نشود. در پایان «بافنده» است که با استخدام همگی ابزار و آلات تهیه شده بادقت فراوان، دانه به دانه گره‌ها را می‌بافد و می‌داند که باید به نسبت معینی از قطر گره و قدرت شان استفاده کند و گرنه فرش در طی بافت با ناهمواری و پستی و بلندی مواجه خواهد شد (مجابی، ۱۳۸۱، ۹ تا ۹- پرهام، ۱۳۹۹، ۷ تا ۷- صور اسرافیل، ۱۳۶۷، ۱۹۴).



همگی این علوم و تخصص‌ها با دقت بسیار زیاد در کنار هم هنر فرش را رقم می‌زند که یک ابزار کاربردی است و صرفاً نمایشی و دکوری نیست. به عنوان مثال، فرشی که در زیر پا انداخته می‌شود، بسته به جنس پشمی یا ابریشمی نخ با تماس کف پا به سلامتی بیشتر افراد، کمک می‌کند. مثلاً پشم فرش در کنار خواص بسیار زیادش، در کنترل قند خون و رشد قد کودکان تأثیر دارد (پشم و خاصیت پشم گوسفند، noohiran.com). دیگر آنکه علاوه بر جنس فرش، طرح آن نیز مهم بوده است و در سابقه تاریخی نقاشی آن، تصاویر روح بخشی که از طبیعت الهام گرفته به چشم می‌خورد که در ایجاد آرامش تأثیر به سزایی دارد. در کنار طبیعت، طرح‌های هندسی است که چشم نوازی می‌کند و در کنار هم با تنوع رنگ‌های ملایم، موجی از آرامش به افراد منتقل می‌کند.

به جز موارد یاد شده، در مورد «استحکام» و عمر زیاد فرش نیز محاسبات و تدابیر مهندسی دقیقی صورت گرفته است و گرنه نباید اثری از فرش‌های قدیمی باقی مانده بود. همه این ویژگی‌ها که بخشی از ویژگی‌های عالی فرش هستند در کنار هم فرش را به یک اثر هنری ارزشمند تبدیل می‌نمایند که برای ارائه الگوی تعریف هنر مورد استفاده قرار می‌گیرد (هنر قالی بافی، ۱۳/۹/۱۴۰۰-news/www.setare.com/fa/۲۶۷۹۶).

ب- گنبد

نمونه دوم اثر هنری، گنبد از حیطة معماری انتخاب می‌شود. در تمدن اسلامی معماری‌ها و از جمله مسجدها ساختارهای متفاوتی وجود داشت که هر کدام از اجزاء آن با دقت‌های عالمانه بسیاری ایجاد شده بود مانند: گنبد، گلدسته، محراب و... در اینجا برای نمونه گنبد انتخاب شده، چرا که یکی از اجزاء معماری هم ایرانی و هم اسلامی است که قبل از اسلام نیز وجود داشته است (پیرنیا، سال ۱۳۶۵- برای نمونه می‌توان به سازه‌های گنبدی چغامیش و کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد اشاره نمود).

در گام اول به دانشمندان در علم ریاضی و هندسه نیاز هست تا برای ترسیم شکل هندسی بسیار سخت گنبد محاسبات دقیق ریاضی را انجام دهند. تا در گام‌های

بعد، معمار یا معمارانی این نقشه را قالب‌گیری کند، برشی عمودی از گنبد تهیه و برای تهیه مصالح مختلف اقدام نمایند؛ مثلاً استاد آجرپز اندازه آجرها را در هر ردیف با شماره‌گذاری و اندازه مخصوص، برای قالب‌گیری آماده کند. استادکاران ماهر نقاش و کاشی‌کار، کاشی‌های ساده و لعاب‌دار را برای زیر نما و روی نما تهیه نمایند و برای نما ترکیبی از خوشنویسی اساتید، اسلیمی‌ها و نمادهایی از گل و... را با رنگ‌های آرام‌بخش به کار برند؛ مانند رنگ آبی برخی گنبدها (و نیز اعتقاد به رنگ آبی در دفع چشم‌زخم).

دیگر این که رنگ‌سازان خبره‌ای را می‌طلبید تا از تثبیت‌کننده‌های رنگ فوق‌العاده مؤثر، بهره‌برند تا رنگ گنبدها در معرض نور شدید خورشید تابستان و باران شدید زمستان، فرسوده و کدر و کم‌رنگ نشوند.

برآورد قدرت حمل بار چلچراغ‌های بزرگ و سنگین در نقطه وسط و گرانیگاه گنبد بدون وجود هیچ نوع ستونی، باز هم حاصل محاسبات دقیق ریاضی دانان و مهندسان و معماران است. در کنار اینها حامل نمادهای بسیاری نیز هستند که در ذهن مخاطب اثر می‌گذارد. مانند طرح سرو مانند گنبد در اعتلا به سمت آسمان.

پس از آنها کاربرد گنبد در معماری است پس از به چالش کشیدن ظاهر بناهای مکعبی، شکل هندسی پیچیده‌ای را به نمایش می‌گذارد که برای حفظ انرژی در تابستان و زمستان مفید و به تبع به لحاظ اقتصادی به صرفه نیز است (احمدی، گنبد چیست؟ به همراه معرفی انواع آن <https://memarifa.ir/gonbad> - کریمی، معماری گنبد در مسجد، <https://archilearn.net> - پیرنیا، سال ۱۳۶۵). در نتیجه این که گنبد نیز مانند فرش، مجموع چند علم و فن پیشرفته در کنار هم است که یک ابزار مفید و کاربردی را با بهترین جلوه، نماد، استحکام، دقت و رنگ ارائه می‌دهد.

در این بازتعریف، فرش و گنبد هر دو از نظم و محاسبات ریاضی دقیقی بهره‌برده‌اند، هر دو کاربردی‌اند و برای رفع نیاز مردم جامعه خود تهیه شده‌اند و صرفاً جنبه دکوری و نمایشی ندارند. هر دو طراحان بسیار خبره و سازندگان (بافندگان و معماران) چیره‌دستی



داشتند، هر دو از بهترین و ماندگارترین و آرامش‌بخش‌ترین رنگ‌ها و نمادها (مانند طبیعت) بهره‌برده‌اند (با بهترین رنگ‌گری، رنگ‌آمیزی و تثبیت رنگ).

طبق مهندسی معکوس این دو اثر برجسته هنر قدیمی، هنر باید چند ویژگی عمده را داشته باشد؛ در بعد مادی برآیند چند علم در پیشرفته‌ترین حالت، بهره‌مند از نظم دقیق و محاسبات بسیار ظریف، کاربردی، به صرفه و برای سلامتی مفید باشد. در بعد معنوی نیز آرامش‌بخش، اخلاق‌گرا، کمال و تعالی‌گرا باشد.

طبق مقدمات گفته شده تعریف بومی از هنر را می‌توان این‌گونه بیان کرد: «ابزاری کاربردی که برآیند چند علم پیشرفته است که با نظم و دقت و ظرافت بسیار زیادی چیده شده که در کنار کارایی‌های بسیارش، باعث آرامش و اخلاق و تندرستی و کمال‌گرایی در افراد جامعه می‌شود.» در این تعریف چون هنر برآیند چند علم است و در کنار مبنای علمی، از مقاومت و کاربرد بالا برخوردار و دارای صرفه‌های بسیار نیز است.

در این رویکرد چون هنر ویژگی‌های مشخص و تفکیک شده‌ای دارد، توسط دانشمندان علوم مختلف دخیل در شکل‌گیری‌اش، قابل امتیازدهی و سنجش است. هرچه سطح علوم به کاررفته در یک ابزار هنری بیشتر باشد، بیانگر سطح بالای فرهنگی و تمدنی در آن ناحیه است. یک تمدن شکوهمند باید از سطح وسیعی از آثار هنری متعالی بهره‌مند باشد. هرچه هم سطح علوم به کاررفته در یک ابزار هنری کمتر باشد، بیانگر سطح پایین‌تر فرهنگی و تمدنی در آن ناحیه است.

هرکس می‌تواند با به‌کاربردن این الگوی داوری به ارزش اثر هنری هر دوره تاریخی و به تبع سطح فرهنگی و تمدنی مردم آن دوره پی‌ببرد. چرا که هرچه عناصر تشکیل‌دهنده آنها از مهارت، دقت، نظم، تنوع، ارزش‌ها و... فربه‌تر باشد، بیانگر پیشرفته‌تر بودن معیارهای منتخب در جهت نیل به تعریف برجسته است.

❁ اقسام هنر

در راستای بازتعریف هنر، باید بتوان برای آن اقسامی را نیز متصور شد تا بیانگر

قوام تعریف جدید باشد. از این رو، هنر بسته به این که حامل چه فکر و اندیشه‌ای باشد می‌تواند اقسام مختلفی بیابد. یک دسته تقسیم‌بندی به لحاظ اخلاقی هنر است که طبق معیارهای تشخیص خوب و بد که پیش‌تر بیان شد، به هنر «دون» و «متعالی» تقسیم می‌شود. هنری که در حد فروکاستن اخلاقیات و به هیجان آوردن غرایز باشد، هنر دون و کم‌ارزش تلقی می‌گردد که ابزارها را اسراف نموده تا هوسرانی را رواج دهد. اما هنر متعالی در حد ترویج آرامش اجتماعی و اخلاقیات در جامعه گام برمی‌دارد و به ابزارها نیز ارزش می‌بخشد! پس این هنر است که بسته به این که چه مفهومی را در چه ابزارهایی بروز و صورت می‌دهد حائز اهمیت می‌شود. ابزارهای فرهنگی اعم از دون و متعالی، کاربردهای متفاوتی دارند. گاهی ممکن است مفهوم و ابزار هر دو متعالی باشند؛ اما ابزار در خدمت انسان‌های بی‌اخلاق برای کاربرد در موارد منفی قرار گیرد.

در مجموع باید گفت وقتی مفهوم هنر خوب تعریف نشود و هر خوب و بدی را هم‌زمان در بر بگیرد، جمع‌نقیضین صورت می‌گیرد و پیامدهای بدی را در پی دارد که مهم‌ترین آن دوگانگی اخلاقی و پیامد اخلاقی بد است. برای همین تعریف هنر نمی‌تواند از مفهوم فرهنگ یک جامعه پا را فراتر بگذارد و هر ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی را هنجار بنمایاند. پس هنر باید در حدود فرهنگ متعالی جامعه تولید محتوا نماید. در غیر این صورت است که هنر که قرار بود متولی نشر اخلاق در جامعه باشد به مرزهای بی‌اخلاقی هم ممکن است نزدیک شود و بی‌بندوباری به بار آورد.

این پژوهش در گام بعد، پس از بررسی مفهوم و دسته‌بندی هنر، در صدد ارائه مصادیق هنر برآمده است. چرا که اگر مصداق‌های هنر، به خوبی تعریف نشود، در جزئیات ممکن است اشتباهاتی صورت گیرد و باعث ایجاد آسیب شود.

گام بعدی شناسایی درجه کیفی و سطح هنر است تا بتوان آن را داوری و مورد سنجش قرارداد. گاهی نیز نسبت این که فرهنگ و تمدن جامعه در چه سطحی از ابتدایی یا پیشرفته باشد و چه ابزاری را با برآیند چند علم تولید کنند، هنر به دو دسته «ابتدایی» و «پیشرفته» تقسیم می‌شود که هرچه فکر و ابزار سازنده هنر، ابتدایی باشد اثر



هنری ابتدایی‌تری را می‌سازد و هرچه فکر و ابزار سازنده هنر با بهره‌گیری از سطح بالای علوم مختلف شکل گرفته و پیشرفته‌تر باشد، اثر هنری پیشرفته‌تری را شکل می‌دهد و به تبع هرچه دامنه ابزار و آلات هنری بیشتر و متنوع‌تر باشد و دستاوردهای مادی بهتری را در برداشته باشد، بیانگر پیشرفته بودن یک تمدن است.

❁ مقایسه ویژگی‌های هنر ایرانی - اسلامی و هنر غربی با مهندسی معکوس آثار

هنری

پیش‌تر گفته شد که هرچه سطح علوم به کاررفته در یک اثر هنری کمتر باشد بیانگر سطح پایین‌تر فرهنگی و تمدنی در آن ناحیه است و بالعکس. برای این منظور، و برای مقایسه سطح هنری و تمدنی روم و ایران اسلامی، به مقایسه برخی آثار هنری ایرانی - اسلامی و رومی پرداخته می‌شود. پیش‌تر به معرفی دو اثر هنری فرش و گنبد در معماری ایرانی - اسلامی پرداخته شد. از این رو به معرفی دو اثر هنری در روم پرداخته می‌شود. زیرا غربیان خود را در امتداد تمدن روم و یونان معرفی می‌نمایند.

از آنجا که کنستانتین در ۳۲۵ م بعد از تجزیه امپراتوری روم، مسیحیت را رسمی کرد آثار معماری آن به لحاظ تاریخی از سال ۱۰۲۰ م تا ۱۰۶۳ را در بر می‌گیرد (گروه مولفین پژوهش هنر، ۱۳۸۷، ۷۶)، از این رو سابقه چندانی در هنر معماری ندارد. پس برای مقایسه از دو اثر مجسمه سازی و نقاشی در هنر غربی استفاده می‌شود.

الف- مجسمه سازی

پیکرتراشی جزو هنرهایی است که در کتاب‌های تاریخ هنر غربیان در صدر توجهات قرار دارد. از این رو مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته می‌شود. پیکرتراشی در غرب جغرافیایی از ۸۰ ق.م تا ۳۵۰ بعد از میلاد (گروه مولفین پژوهش هنر، ۱۳۸۷، ۷۵) جریان داشت. اما برای مقایسه برای مثال مجسمه‌ای از هرکول انتخاب می‌شود که متعلق به ۲۰۰ سال پیش از میلاد است و از اسطوره‌های یونانی الهام گرفته، از این جهت هنر شاخص

بومی غرب محسوب می شود (که البته کتاب مقدس آن را متأثر از الهه های ایرانی می داند و نیز گفته شده همان رستم است که با اژدهای هفت سر جنگیده است و سابقه تعلق به غرب را به چالش می کشد) (کریم نژاد، ۱۴۰۳). وجود مجسمه هرکول در ایران در ۲۲۰۰ سال پیش، این انحصار و بومی بودن را باز هم به چالش بیشتری می کشد (چه می دانید از مجسمه هرکول در کرمانشاه، ۱۳۹۲) که باز هم به نظر می رسد هنر بومی ای برای آنها نباشد چرا که برخی اسناد دال بر ایرانی بودن یونان است. زیرا طبق کتیبه های داریوش هخامنشی، یونان و ملیت یونانی ایرانی برشمرده شدند (جعفری، ۵ بهمن ۱۳۹۹- ر.ک: مرادی غیاث آبادی، ۱۳۸۴).

به هر حال، این مجسمه، مرد کاملاً عربی را به نمایش می گذارد که به شبیه تنه درختی تکیه زده است. به جز نقاشی و پیکرتراشی و انتخاب سنگی که قابل تراش باشد و ابزار تراش، چه علوم دیگری در خلق آن به کاررفته است؟ محتوای معنوی و اخلاقی آن چیست؟ تأثیر منفی دیدن این تصاویر در کودکان چقدر است؟ کاربردش چیست؟ بود یا نبود آن چه صرفه ای دارد؟

ب- نقاشی

هنر دیگری که در کتاب های تاریخ هنر غربیان در صدر توجهات قرار گرفته نقاشی است. برای نمونه مهندسی معکوس، سراغ یک اثر برجسته نقاشی باید رفت. یکی از قدیمی ترین آثار نقاشی، «آفرینش آدم» از میکل آنژ در سقف کلیسای سیستین در شهر واتیکان که متعلق به ۱۵۱۱ میلادی است (که نسبت به فرش و گنبد قدمت چندانی هم ندارد). تصویری است از چند انسان عربی با نقاشی خوب و دانش تولید و ترکیب رنگ هایی برجسته، که بیانگر داشتن یک نقاش مسلط به نقاشی و البته جزئیات اندام عربی انسان ها می باشد. اما این که در کنار برهنگی قرار بوده چه بعد اخلاقی را پوشش دهد و چه صرفه و کاربردی داشته باشد؟

با این حساب، از تحلیل مهندسی معکوس دو نمونه از نقاشی و مجسمه سازی



می‌توان گفت؛ هنر غربی در مقایسه با هنر شرقی، نه مسبوق به سابقه بیشتری است و نه هنر پیشرفته‌ای محسوب می‌شود و نه هنری متعالی. پس اگر قرار باشد برای استخدام تعریف از اصول سازنده هنر در یک تمدن پیشرفته استفاده شود، قطعاً هنر ایرانی - اسلامی مقدم‌تر است. در مقابل این قناعت در معیارهای اخلاقی در آثار هنری غربی، هنر اسلامی به لحاظ الگوهای اخلاقی، کم چارچوب و اصول نبود و در تبیین محدوده هنر در چارچوب خاص خود، خط‌قرمزهایی داشت؛ مانند منع از هواپرستی، تجمل‌گرایی، بی‌اخلاقی، عربانی و الزام به کاربرد مفاهیم و نمادهای متعالی، با ضمیمه رنگ‌ها و اشکال تسکین‌دهنده و آرامش‌بخش. هنر اسلامی به توسعه و شکوفایی هنر در چارچوب حدودی پرداخت که تعریف نمود. به‌عنوان مثال به دلیل ممنوعیت چهره‌نگاری و مجسمه‌سازی به شکل کامل انسانی (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ۲۵ - بقره/۲/۱۰۲)، به اشکال مختلف و مجاز دیگری روی آورد. یعنی بسیاری از آنچه در غرب، هنر تلقی می‌شد، در کشورهای اسلامی، ضد هنر محسوب می‌شد. موسیقی نیز در چارچوب حدود اسلامی قواعدی داشت و حدودی مانند پرهیز از غنا.

معماری و شهرسازی هم حدود و قوانین خاص خود را داشت از جمله این که خانه‌ای به خانه دیگری اشراف نداشته باشد (الرفاعی، ۱۳۷۷، ۱۱۴ تا ۱۱۶). مهم‌ترین شکل هنر اسلامی همین هنر معماری است با طراحی‌های مختلفی از رنگ‌های طبیعی در به‌تصویرکشیدن طبیعت غیرانسانی (نه انسان عریان) بروز یافت، باتکیه بر خوشنویسی و گل و مرغ در اقسام خطوط مختلف، گچ‌بری، آجرچینی‌های منظم، خوشنویسی و خوش نوشتارهای تذهیب شده از مضامین بلند ارزشی بر روی کاشی‌های لعاب‌دار رنگارنگ که زیر تندترین اشعه خورشید کدر و کم‌رنگ و فرسوده نشوند. کاربرد شیشه، کاشی، گچ، آجر، سفال، سنگ و... نشان می‌دهد معماری اسلامی دنبال ابزار گران‌قیمت برای تولید اثر هنری نیست، بلکه چینش و ترکیب دقیق و زیباست که آن را زیباتر می‌نماید؛ مانند آینه‌کاری‌های ایوان‌ها و درخشش انعکاس نور در آن‌ها یا منشورهای متفاوت شیشه و

شیشه رنگی در کنار چشمه‌های نور چلچراغ‌ها و تأثیر آن در رنگارنگ شدن خانه‌ها چه در شب‌های ظلمانی و چه در روزهای آفتابی.

دلیل این سادگی این است که حضرت محمد (ص) و صحابه نخستین زندگی ساده و بی‌آلایشی داشتند و هیچ‌وقت در پی آن نبودند تا با ساختن ابنیه باشکوه و معظم، جلوه‌های قدرت و مکتب خود را به رخ این‌وآن بکشند (کونل، ۱۳۷۶، ۶).

نمونه‌های بسیاری از هنر ایرانی - اسلامی وجود دارد که با مهندسی معکوس آنها، می‌توان به هنری متعالی و پیشرفته در آنها پی برد. برای مثال مهندسی و معماری مسجد قرطبه در اندلس است که با وجود ۱۲۹۳ ستون، همه مردم به محراب اشراف داشتند (عنان / دوانی، ۱۳۴۸) یا معماری کاخ عالی قاپو و آبرسانی فواره‌ای به طبقات بالا (شجاعی اصفهانی، ۱۴۰۲).

ویژگی این هنر، توانایی‌های آن است نه مانند هنر و تمدن هلنی، تجملاتی بودن آن. گنبد جبلیه کرمان نمونه دیگر هنر و معماری اسلامی است که با شیرشتر درست شده و در زلزله‌های بسیار بزرگ آسیب جدی ندیده است (رحیمی مهر، ۱۳۹۴). فکر سازنده این هنرها حتما دانشمند و ریاضیدان و متالورژیست و ... هستند.

برعکس غرب، تنوع و توسعه فراوان معماری اسلامی در وسعت قلمرو، نشان از امنیت، روحیه جنگ ستیز و صلح‌طلب و آبادگر مسلمانان دارد چرا که جنگ باعث تخریب تمام این تلاش‌های ارزنده و سازه‌های مجهز است. برای همین در جغرافیای تمامی سرزمین‌هایی که اسلام به آن پا گذاشت توسعه هنر و معماری دیده می‌شود. به عنوان مثال اسپانیا که هر سال جشن خروج مسلمانان را برپا می‌کند، سومین رکن اقتصادی و درآمد خود را از صنعت توریسمی دارد که عمدتاً سازه‌های دست مسلمانان است (پردرآمدترین کشورهای جهان در صنعت گردشگری کدام‌اند؟ سایت نمافر، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰).

گسترده‌گی دامنه هنر معماری در شرق و غرب عالم از مسجد تاج‌محل در هند بودایی در شرق تا مسجد قرطبه در اسپانیای مسیحی و معماری‌های محراب شکل کلیسای نوتردام با معماری عصر گوتیک (گروه مؤلفین پژوهش هنر، ۱۳۸۷، ۷۹)، حضور هنر



اسلامی دیده می‌شود. و این بیانگر هنر تراز اول در تمدن اسلامی، روح هنردوست و توجه به عمران و آبادانی، تاثیرگذاری فرهنگی در دنیا، به جای خونریزی و آدم‌کشی و عدم تحمل مخالف است که شاکله روح این هنر است.

نتیجه ❁

در این پژوهش سعی شده به معرفی عناصر تعریف مدرن هنر و ضعف‌های آن پردازد که مانع از جامعیت و مانعیت آن شده است و تعریفی نسبی را ارائه می‌دهد و سپس با قراردادن هنر در حیطه مقولات فرهنگی و تمدنی به بازتعریف هنر می‌پردازد. برای همین از چند اثر هنری و تمدنی برجسته در تمدن ایرانی - اسلامی همچون فرش و گنبد بهره برد تا با مهندسی معکوس آنها بتواند با درک الگوی به‌کاررفته در آن، به بازتعریف هنر نایل گردد. در این بازتعریف، هنر، ابزاری است کاربردی و برآیند چند علم پیشرفته که در بعد معنوی خود کمالات و اخلاق و تعالی را دارد. پس از بازتعریف هنر، به اقسام آن اعم از «متعالی و دون»، «پیشرفته و ابتدایی»، اشاره گردید و در پایان با همین معیار، به مقایسه چند هنر شرقی و غربی پرداخته شد و نشان داده شد که تعریف جدید از هنر به خاطر دقت و جامعیت بیشتر، قابلیت سنجش و توانایی داوری سایر آثار هنری را نیز داراست. سپس با این توانایی داوری و به مقایسه هنر غربی و هنر اسلامی پرداخته شد که هنر غربی در مقایسه با هنر پیشرفته و متعالی ایرانی - اسلامی، هنر ابتدایی تری محسوب می‌شود و از سبقت و تنوع کمتری نیز برخوردار است.

✿ کتابنامه:

قرآن کریم

۱. - ارباب زاده مرگان و دیگران (۱۳۹۶)، بازتعریف بدن در هنر فمینیستی (دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰) نشریه باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۵۵.
۲. - الماسی زند علی، و میری، سید جواد (۱۴۰۰)، بررسی دلایل افول هنر آوانگارد در روسیه، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۳، آبان.
۳. - بیات، طاهره (۱۳۸۱)، هنر چیست؟، مجله شمیم یاس، پیش شماره ۱۴، شهریور و مهر.
۴. - بی نام (۱۴۰۱)، پردرآمدترین کشورهای جهان در صنعت گردشگری کدامند؟ سایت نمافر، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰
۵. - پروین، فضل الله (۱۳۴۵)، زیبایی و هنر، تهران، بی نا.
۶. - پرهام، سیروس (۱۳۹۹)، فرش و فرش بافی در ایران، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۷. - پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)، فرهنگ شناسی، تهران، پیام امروز.
۸. - پیرنیا، محمدکریم (۱۳۶۵). مجموعه سخنرانی ها در دفتر حفاظت آثار باستانی تهران، تهران: دفتر حفظ آثار باستانی.
۹. - جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۳)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف.
۱۰. - جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه محمدتقی جعفری.



۱۱. - جنسن، هورست وولدمار، و جنسن، انتونی ف (۱۳۹۰). تاریخ هنر جهان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: انتشارات مازیار.
۱۲. - حسینی، سید رضا (۱۳۸۸). هنر و معماری ایران و جهان، چاپ دوم، تهران: مارلیک.
۱۳. - دورانت ویل، جیمز ویلیام (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، اقبال، فرانکلین.
۱۴. - رحیمی مهر، وحیده (۱۳۹۴)، گنبد جبلیه کرمان، کنفرانس بین‌المللی انسان، معماری، عمران و شهر، کد اختصاصی: ۱-icohacc۰۱-۴۴۱.
۱۵. - رضائی منش، مرتضی (۱۳۸۰)، درباره هنر، مقدمه به قلم جلال علوی نیا، تهران، انتشارات مهر.
۱۶. - الرفاعی، انور (۱۳۷۷). تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه: عبدالرحیم قنوت، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۱۷. - روح‌الامینی، محمود (۱۳۴۰)، مبانی انسان‌شناسی، تهران، کتاب زمان.
۱۸. - زیدان، جرجی (۱۳۷۳). تاریخ تمدن اسلام، علی جواهرکلام، تهران، امیرکبیر.
۱۹. - سمیع آذر، علیرضا (۱۳۹۹). امواج پست مدرن (تاریخ هنر معاصر جهان)، تهران، نشر نظر.
۲۰. - سمیع آذر، علیرضا (۱۳۹۹). اوج و افول مدرنیسم (تاریخ هنر معاصر جهان)، ج ۱، تهران، نشر نظر.
۲۱. - شجاعی اصفهانی، علی (۱۴۰۲)، معرفی ساختار آبرسانی و چرخه آب در کاخ عالی قاپوی اصفهان، تهران، مجله مطالعات باستان‌شناسی، انتشار آنلاین، آبان.
۲۲. - عنان، محمد عبدالله / دوانی، علی (۱۳۴۸)، آثار تمدن اسلامی در اسپانیا و پرتقال مسجد جامع قرطبه، قم، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دهم، شماره ۱۰، مهر.
۲۳. - صوراسرافیل، شیرین (۱۳۶۷). کتاب فرش ایران، چاپ دوم، تهران، چاپ رستم خانی.
۲۴. - طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۳). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۵. - کونل، ارنست (۱۳۷۶). هنر اسلامی، یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
۲۶. - گردآوری کرتیس، جان، و سیمپسون، سنتجان (۱۳۹۱). جهان هخامنشیان، خشایار بهاری، تهران، نشر فروزان روز.
۲۷. - گامبریچ، ارنست (۱۳۷۹). تاریخ هنر، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نی.
۲۸. - لوکاس، هنری (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران.
۲۹. - مجابی، سید علی (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر تاریخ فرش دستباف ایران (از ظهور تا پایان قرن نوزدهم)،

- تهران، موسسه فرهنگی و هنری شقایق روستا.
۳۰. -مرادی غیاث‌آبادی، رضا (۱۳۸۴). کتاب کتیبه داریوش در بیستون، شیراز، نوید شیراز.
۳۱. -نوریان یحیی و دیگران (۱۳۹۲)، الگوی بازتعریف متون تاریخ هنر (بازتعریف متون آموزشی با رویکرد اسلامی)، مجموعه مقالات کنگره علوم انسانی اسلامی، ج ۶.
۳۲. -زیر نظر موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۳). تاریخ جامع ایران، جلد هجدهم (تاریخ هنر)، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳۳. -هاج، نیکولا (۱۳۹۷). کتاب تاریخ هنر نقاشی از جیوتو تا زمان حاضر، ترجمه سعید خاوری نژاد، انتشارات دولتمرد.
۳۴. -هامبی، لوئی، و دیگران (۱۳۷۶). هنر مانوی و زردشتی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
۳۵. -وایلدر، جسی برایانت (۱۳۹۴). کتاب تاریخ هنر دامیز، ترجمه صفورا برومند، انتشارات آوند دانش.
۳۶. -گروه مؤلفین پژوهش هنر (۱۳۸۷). تاریخ هنر جهان و تاریخ هنر ایران، گردآوری مهرانز حسینعلی، تهران، مهر سبحان.
37. -Gordon graham (2005). philosophy of the Arts, third edition, london and new York: Routledge, p3-5.
38. -M.Badi, Les Grecs et Les Barbares, II/3738 - -
۳۹. پیشینه مجسمه‌سازی، [-/https://mojamesazi.com/history-of-sculpting](https://mojamesazi.com/history-of-sculpting)
۴۰. تاریخچه مجسمه‌سازی، [-/https://payju.ir/content](https://payju.ir/content)، ۱۴/۹/۱۳۹۸
۴۱. لیزا مارد، راه تعریف هنر، [-//https://fa.eferrit.com](https://fa.eferrit.com)
۴۲. احمدی، گنبد چیست؟ به همراه معرفی انواع آن، [-/https://memarifa.ir/gonbad](https://memarifa.ir/gonbad)
۴۳. کریمی، معماری گنبد در مسجد، [-/https://archilearn.net](https://archilearn.net)
۴۴. محمدعلی ناظری، آیا فرش پازیریک قدیمی‌ترین فرش جهان است؟، ۲۳ دسامبر ۲۰۱۹، [-irancarpet.net](http://irancarpet.net)
۴۵. -بی‌نام، هنر قالی بافی: آشنایی با تاریخچه و روش بافت قالی، سایت ستاره بافت و دوخت، [/۲۶۷۹۶/https://setare.com/fa/news](https://setare.com/fa/news)، ۱۳/۹/۱۴۰۰



۴۶. - پشم و خاصیت پشم گوسفند، نوحیران، noohiran.com، شهریور ۱۴۰۳.
۴۷. - امیرحسین کریم‌نژاد، کشف یک حلقه گمشده از افسانه‌ای هرکول؛ ارتباط عجیب بین اسطوره‌شناسی یونان با انجیل و تورات، gadgetnews.net، ۲۲ تیر ۱۴۰۳.
۴۸. - چه می‌دانید از مجسمه هرکول در کرمانشاه، خبر آنلاین، ۲۴ مهر ۱۳۹۲.
۴۹. - جعفری، عماد، متن کامل کتیبه بیستون و رمزگشایی آن، ۵ بهمن ۱۳۹۹، <https://www.kojaro.com/iran/bisotun-inscription-116892>

